



SAFE

Case No. 10854

of filing: 18.12.86

113

** AWARD - Type of Award _____
- Date of Award _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of MR HOLTZMAN
- Date 18.12.86
_____ pages in English 6 pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

SEPARATE OPINION OF JUDGE HOLTZMAN

Case Nos. 10853/10854/10855/10856

Chamber One

پرونده های شماره ۱۰۸۵۳، ۱۰۸۵۴،

۱۰۸۵۵، ۱۰۸۵۶.



دادگاه داوری دعوی
ایران-ایالات متحده

UNITED STATES
TRIBUNAL

ثبت شد - FILED

Date 18 DEC 1986 تاریخ

1365/9/27 شماره

No.

شعبه یک

حکم شماره ۱-۱۰۸۵۶/۱۰۸۵۵/۱۰۸۵۴/۱۰۸۵۳-۲۸۲

10854

DUPLICATE
ORIGINAL

نسخه برابر اصل

- یان ال. مک هارگ (پرونده شماره ۱۰۸۵۳)،
- ویلیام اچ. رابرتس (پرونده شماره ۱۰۸۵۴)،
- دیوید ا. والاس (پرونده شماره ۱۰۸۵۵)،
- توماس ا. تاد (پرونده شماره ۱۰۸۵۶)،

دعوی کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار
مطروح توسط ایالات متحده امریکا،
خواهانها،

- و -
جمهوری اسلامی ایران،

خوانده .

نظر جداگانه قاضی هولتزمن

در مخالفت با قسمتی و موافقت با قسمتی دیگر از حکم صادره

اینجانب جز در موارد زیر با حکم صادره کاملاً موافقم: (یک) با تصمیم دیوان مبنی بر اینکه بعلت وجود حق السهم سهامدار پنجمی که تبعه ایالات متحده نبوده، مبلغ لازم التادیه به هریک از خواهانها که بالاتفاق کنترل شرکتی را در دست دارند با ید تقلیل یابد مخالفم، (دو) با تصمیم دیوان مبنی بر رد هزینه های فسخ که قرارداد حاکم، دیوان را بوضوح ملزم به اعطای آن می نماید، مخالفم، (سه) با نتیجه گیری که دیوان به

دلایل صلاحیتی در رد ادعای مربوط به موجودی حسابی نزد بانک تجارت به آن رسیده، موافقم ولی با استدلال دیوان در این مورد مخالفم، و (چهار) با حکم به پرداخت فقط ۵۰۰۰ دلار بعنوان هزینه های داوری صرفاً" بعلت حصول اکثریت موافقت می کنم، چه این مبلغ حتی با توجه به روش گذشته دیوان در این زمینه، بسیار کم است.

اول

خواهانها که همگی اتباع ایالات متحده می باشند، چهار سهامدار با سهام مساوی از پنج سهامدار اولیه یک شرکت ایرانی بنام دالاس - مک هارگ - رابرتس اند تاد ایران اینکورپوریتد (دبلیو.ام. آر.تی/ایران) هستند. شرکت مزبور قراردادی با سازمان محیط زیست دولت جمهوری اسلامی ایران ("دولت") جهت تامین خدمات محوطه سازی یک پارک طبیعی که قرار بود در حومه تهران ساخته شود، منعقد نمود. سهامدار پنجم یک نفر هندی بنام آقای نارندرا جونيجا بود که مدیریت پروژه در ایران را برعهده داشت.

دیوان نظر داد که دولت بهای خدمات انجام شده پیش از فسخ قرارداد و نیز کسور بازپرداخت نشده را به شرکت دبلیو.ام. آر.تی/ایران، و در نتیجه به خواهانها بدهکار است، لیکن مبلغ متعلقه بهر یک از خواهانها را به جای ۲۵ درصد مورد مطالبه هریک از آنها به ۲۰ درصد کل مبلغ بدهی تقلیل داد، باین دلیل که خواهانها از عهده اثبات اینکه آقای جونيجا عملاً "سهامش را یا به شرکت و یا به چهار سهامدار دیگر منتقل نموده، برنیامده اند. بند ۵۸ حکم. دیوان با این استنتاج در دو مورد مرتکب اشتباه شده است.

همانطور که دیوان تصدیق می کند، مدارک موجود حاکی است که آقای جونيجا در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۹ آذرماه ۱۳۵۷) یعنی تقریباً یک ماه پیش از آنکه بعلت اوضاع ایران ناچار به ترک آن کشور شود، نامه ای به هیئت مدیره دبلیو.ام. آر. تی/ایران

نوشت و در آن صراحتاً "سهام خود در شرکت را به هیئت مدیره "واگذار نمود". همان ماخذ. در مواردی، مانند پرونده حاضر، که در آن عدم رعایت قانون حاکم اثبات نگردیده و مدرکی که خلاف انتقال سهام را نشان می‌دهد، وجود ندارد، اینجانب نظر می‌دادم که نامه تسلیمی خواهانها برای نشان دادن اینکه هریک از آنان بعنوان بقیه‌سهمداران شرکت دبلیو. ام. آر. تی./ایران مالک ۲۵ درصد شرکت می‌باشد، کافی است.

اما مهمتر از آن، این است که اینجانب نظر می‌دادم که تعیین اینکه آیا آقای جونجا عملاً "سهام خود را واگذار کرده یاخیر، لزومی ندارد. به نظر اینجانب، کنترل خواهانها بر دبلیو. ام. آر. تی./ایران صرفنظر از اینکه قسمتی از سهام آن متعلق به اتباع غیر امریکائی باشد یا نباشد، طبق بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی به خواهانها حق می‌دهد که بطور غیرمستقیم کل ادعای دبلیو. ام. آر. تی./ایران را که حق اقامه دعوی ندارد، در دیوان مطرح سازند. رجوع شود به نظر موافق ریچارد ام. ماسک در پرونده بلانت برادرز کوریوریشن و جمهوری اسلامی ایران، صفحات ۲ تا ۶ حکم شماره ۱-۲۱۵-۵۲ (۶ مارس ۱۹۸۶ / ۱۵ اسفندماه ۱۳۶۴) و پرونده هارزا و جمهوری اسلامی ایران بند ۲۷ حکم شماره ۲-۹۷-۲۳۲ (دوم مه ۱۹۸۶ / ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵) (که استدلالات مربوط به تائید قاعده وصول غرامت کامل در آنها نقل شده است). بدین ترتیب، خواهانها را مجاز می‌شمردم که از طرف دبلیو. ام. آر. تی./ایران غرامت کامل بابت تعهداتی که لازم التادیه تشخیص داده شده، دریافت نمایند و حکم درباره تعهدات خواهانها به شرکت و هر سهامدار اقلیتی را به قانون محلی حاکم واگذار می‌کردم.

دوم

اینجانب همچنین با نظر دیوان در رد ادعای مربوط به هزینه های فسخ مخالفم. طبق بند (۲) ب ماده ۱۷ قرارداد حاکم بین طرفین که در صورت فسخ قرارداد توسط دولت،

دبلیو.ام. آرتی/ایران، حق داشت مبالغ زیر را دریافت نماید:

کلیه هزینه های ناشی از موافقت ها یا تعهدات ... در رابطه با کارکنان یا سایر موسسات (مهندس محوطه ساز)، همچنین هزینه های مربوط به بازگشت کارکنان خارجی و خانواده ایشان به وطن خویش و کرایه حمل اثاثه آنان به کشورشان در هنگام فسخ قرارداد و نیز هزینه برچیدن واحد محلی نظارت، مشروط بر آنکه این قبیل هزینه ها برای اجرای قرار داد بوده و به تصویب کارفرما رسیده باشد...

دیوان صریحا" نظر می دهد که خوانده فقط طبق بند ب ماده ۱۷ می توانسته قرارداد را بنحو صحیح فسخ نماید، و این امر بند (۲) ب این ماده را به میان می کشد، بندهای ۶۱ و ۶۴ حکم. معهدا، دیوان هزینه های فسخ را که بند اخیرالذکر خواهانها را محق به دریافت آن می کند به آنها نمی دهد. بند ۶۶ حکم .

دلیل دیوان جهت رد این قسمت از ادعاها کاملا" روشن نیست، همانطور که دیوان تصدیق می نماید، ضمن آنکه طبق بند (۲) ب ماده ۱۷ هزینه های بازپرداختنی باید به تصویب کارفرما برسد، ماده مزبور باید طوری تفسیر گردد که کارفرما را متعهد نماید که با حسن نیت عمل کند. بدین معنی که دولت نمی توانسته به نحو غیرمنطقی از تصویب هزینه های مشروع و تامین شده، خودداری کند. با این وجود، دیوان بطور مبهم اظهار می دارد که "در رابطه با این قرارداد و اوضاع و احوال پرونده های حاضر، خوانده اجباری به تصویب هزینه های یادشده نداشته است". مسلما" منظور دیوان از این جمله نمی تواند این باشد که خوانده بدلخواه خود می توانست از بازپرداخت این هزینه ها خودداری نماید زیرا چنین نظری با قبول این مطلب توسط دیوان در جمله بلافاصله ماقبل آن جمله در حکم دایربر اینکه نباید بنحو غیر منطقی از تصویب خودداری گردد، مغایرت پیدا می کند. بنابراین، منظور دیوان باید این باشد که هزینه های انجام شده غیرمعقول بوده است. لیکن، این نتیجه گیری نیز بهمان میزان غیرقابل دفاع است زیرا دیوان در هیچ جا نمی گوید که هزینه های ادعا شده را بررسی یا رد کرده باشد. بطور خیلی ساده، برای این اظهار

نظر دیوان که "خوانده اجباری به تصویب هزینه های یاد شده نداشته است"، هیچ مبنائی وجود ندارد.

استدلال دیگر دیوان این است که "درمورد حاضر نه دلیل و مدرکی حاکی از اینکه خواهانها از کارفرما تقاضای تصویب هزینه ها را کرده باشند در دست است و نه مدرک و یا توضیحی در مورد عدم تقاضای تصویب". به نظر دیوان، در نبود چنین دلیل و مدرکی، خواهانها ثابت نکرده اند که الزامات بند ۲ (ب) ماده ۱۷ قرارداد را رعایت کرده اند. این استدلال در بهترین صورت عاری از صداقت است. کاملا روشن است که چرا دلیلیو.ام.آرتی/ایران درخواست تصویب این هزینه ها را از کارفرما نکرد: دولت مصرانه از قبول بی تقصیری دلیلیو.ام.آرتی/ایران امتناع می کرد و بنابراین، همچنانکه دیوان نظر می دهد، از پذیرفتن اینکه قرارداد فقط طبق بند ب ماده ۱۷ قابل فسخ است، خودداری می نمود. تحت این شرایط نمی توان دلیلیو.ام.آرتی/ایران را در مورد احتراز از تسلیم بیهوده صورتحساب هزینه های فسخ که رد شدنش محرز بود، مقصر شمرد.

برخلاف نظر خوانده چه در هنگام بروز اختلاف و چه در سرتاسر این دادرسی، دیوان در این پرونده نظر می دهد هرگاه تقصیری متوجه دلیلیو.ام.آرتی/ایران نباشد، فسخ این قرارداد مشمول مفاد بند ب ماده ۱۷ می شود. بنابراین، دیوان می بایست آن بررسی را که خوانده انجام نداده به عمل آورده و معین نماید که کدامیک از اقلام هزینه های فسخ خواهانها مشمول بند (۲) ب ماده ۱۷ می شود. به عنوان مثال رجوع شود به پرونده هنری اف - تایکمن اینکوریوریتد و شرکت شیشه همدان، بند ۴۶ حکم شماره ۱-۲۶۴-۲۶۴ بند ۴۶ (۱۲ نوامبر ۱۹۸۶/۲۱ آبان ماه ۱۳۶۵) درموردی که کارفرما تصویب مقرر در قرارداد را انجام ندهد، دیوان باید مستقلا تعیین کند که آیا کار موضوع صورتحساب انجام شده یا نه، و کارفرما نمی تواند به عنوان دفاع در مقابل ادعا، به عدم [تصویب] خود استناد نماید". بررسی ادله مربوطه، منجر به اعطای قسمت اعظم هزینه های مورد ادعا هر چند نه تمام آن، می گردید.

سوم

دیوان آن بخش از ادعاها را که مربوط به مطالبه مانده حساب بانکی در بانک تجارت است رد کرده و استدلال می نماید که صلاحیت رسیدگی به آن را ندارد زیرا "خواهانها ثابت نکرده اند که پیش از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) مانده حساب مذکور را رسماً مطالبه کرده اند". بند ۵۶ حکم. رجوع شود به بند یک ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی. اینجانب با این نظر به این دلیل موافقم که همچنانکه خواهانها در جلسه استماع اعتراف نمودند، خواهانها دلیلی مبنی بر کوشش در برداشت وجوه خود از حساب مزبور یا ممانعت اوضاع جاری از چنین کوششی از طرف آنها و یا اینکه تحت اوضاع جاری چنین کوششی عبث بوده، ارائه نداده اند.

چهارم

نکته آخر اینکه اینجانب با حکم در مورد هزینه ها فقط به منظور حصول اکثریت موافقت می کنم، بند ۷۴ حکم. اینجانب با دیوان موافقم که هرچند دعاوی کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار توسط ایالات متحده مطرح می گردد، معیذا خواهانهای آن دعاوی می توانند هزینه های مشاوره در استفاده از خدمات وکیل خصوصی در ارتباط با ادعاهای خود را مطالبه و دریافت نمایند. خواهانها اسناد و مدارک فراوانی در مورد این هزینه ها تسلیم نموده اند. علاوه بر این، درخواست ایالات متحده جهت یک و نیم درصد مبلغ حکم بابت هزینه ها که طبق معمول به عمل آمده، بسیار منطقی است. این پرونده ها نسبتاً پیچیده بوده و دیوان تأیید می نماید که "لوايح و اسناد و مدارک حجیمی در تأیید ادعاها تسلیم شده است". همچنین خواهانها در برابر سه ادعای متقابل بطور موفقیت آمیز دفاع کرده اند. بندهای ۶۹ تا ۷۲ حکم. رویهمرفته، خواهانها در ۷۵ درصد از ادعاهای خود و در ۱۰۰ درصد ادعاهای متقابل برنده شده اند، و بالاخره بی توجهی خواننده به الزام صریح بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی موجب شد که خواهانها در مراحل اول

رسیدگی‌ها از دیوان درخواست نمایند که از آنها در مقابل دعوای مطروح در دادگاه عمومی تهران حمایت کند. بندهای ۳ و ۶۸ حکم.

در این اوضاع و احوال، بدیهی است که اعطای فقط ۵۰۰۰ دلار بابت حق‌الوکاله وکلای خصوصی و هزینه‌های ایالات متحده در طرح این پرونده بسیار اندک است، زیرا مبلغ مزبور بدون تردید کمتر از هزینه ترجمه مدارک تسلیمی می باشد. اینجانب طبق نظریات مندرج در نظر جداگانه خود در پرونده سیلوانیا تکنیکال سیستمز، اینک و جمهوری اسلامی ایران حکم شماره ۱ - ۶۴ - ۱۸۰ (۲۷ ژوئن ۱۹۸۵ / با ۶ تیرماه ۱۳۶۴)، حکم به پرداخت مبلغ بسیار بیشتری بابت هزینه‌ها می دادم.

لاسه ،

بتاریخ ...!۸... دسامبر ۱۹۸۶ برابر با ...۴۷... آذرماه ۱۳۶۵



هوارد ام. هولتزمن

م. ب. ج. ح